

به نام خدا

# ساز و کارهای حفظ حقوق و امنیت شهود در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری بین المللی

مؤلف :

زینب بنی اسدی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: بنی اسدی، زینب، ۱۳۶۱ اردیبهشت -  
عنوان و نام پدیدآور: ساز و کارهای حفظ حقوق و امنیت شهود در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری  
بین‌المللی / مولف زینب بنی اسدی.  
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۹۴ ص.  
شابک: ۰-۳۶۰-۳۳۹-۶۲۲-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: ساز و کارهای حفظ حقوق و امنیت شهود در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۵-۱۹۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
موضوع: گواهی و گواهان -- ایران -- حمایت  
حقوق تطبیقی  
Witnesses -- Protection -- Iran  
Comparative law  
رده بندی کنگره: KMH۱۷۷  
رده بندی دیویی: ۳۴۷/۵۵۰۶۶  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۱۳۰۳۰  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: ساز و کارهای حفظ حقوق و امنیت شهود در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی

مولف: زینب بنی اسدی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زیرجد

قیمت: ۱۵۶۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۰-۳۶۰-۳۳۹-۶۲۲-۹۷۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



# فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۵	مقدمه
۹	فصل اول
۹	مفاهیم ، مبانی نظری و پیشینه
۱۰	مفاهیم
۲۸	مبانی نظری
۳۷	پیشینه تحقیق
۴۹	فصل دوم
۴۹	حقوق شاهد در حقوق کیفری ایران و دیوان کیفری بین المللی
۵۱	حق شهود بر اطلاع و آگاهی از حقوق قانونی
۶۶	حقوق شهود آسیب پذیر
۷۰	حق اعلام جرم توسط شاهد
۷۱	حق اعلام جرم و مطالبه تعقیب توسط افراد بعنوان شاهد
۷۳	حق ناظر بر امنیت شاهد
۷۶	حق مصونیت شاهد از تعقیب و جلب
۸۲	حقوق مالی شاهد
۸۳	هزینه ایاب و ذهاب و ترک شغل
۸۹	حق منع تبعیض جنسیتی شهود
۹۱	حق مشاوره روانی و مراقبت های پزشکی
۹۲	مطلع ساختن شهود از رای

فصل سوم	۹۵
سازوکارهای پیشگیری، حفاظت و امنیت شهود، چالش ها و موانع حاکم در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری بین المللی	۹۵
حفاظت و امنیت شهود	۹۶
اخفا هویت شاهد	۱۰۲
تغییر مکان و شغل شاهد	۱۱۴
شهادت کتبی، صوتی - تصویری و صوتی ضبط شده	۱۲۰
پیشگیری از بزه دیدگی شهود	۱۳۴
چالش ها و موانع حاکم بر پیشگیری از بزه دیدگی شهود در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری بین المللی	۱۶۰
حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم	۱۶۸
نتیجه گیری	۱۷۹
فهرست منابع	۱۸۵
کتب فارسی	۱۸۵
پایان نامه	۱۹۲
کتب انگلیسی	۱۹۳
مقالات	۱۹۳
اسناد	۱۹۴

## مقدمه

شهادت شهود در نظام های مختلف حقوقی از این جهت که به کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه کمک می نماید، از ادله اثبات دعوی محسوب، و مورد توجه قرار گرفته است. اصولاً شاهد فردی بی طرف در دعوی می باشد و صرفاً در جهت روشن شدن زوایای پنهان مساله ای که شاهد بر وقوع آن بوده است، اقدام می نماید. به همین علت، موضوع حفاظت از امنیت شهود و حقوق وی مهم بوده و بررسی و تطبیق قوانین داخلی در این زمینه با قواعد حاکم بر دیوان کیفری بین المللی کمک شایانی به رفع نواقص احتمالی و ارتقای مسائل حقوق بشری خواهد نمود. بخصوص در رسیدگی به جرایم مهم یا جرایمی که تنها شهود آنان، اشخاص آسیب پذیر مانند زنان یا اطفال یا افراد دارای کهولت سن یا معلول می باشند، ضروری است تا شهود به نظام عدالت کیفری اعتماد کامل داشته ، و به آنان این اطمینان خاطر داده شود که در مقابل تهدیدات و صدمات احتمالی وارده از ناحیه ی اعضای گروه بزهکار، مورد حمایت و پشتیبانی خواهند بود. چرا که تهدید و ایجاد مزاحمت از سوی بزهکاران و ناقضان قوانین موجب ایجاد ترس ، رعب و وحشت آنان و بعضاً منجر به عدم ادای شهادت و یا کتمان شهادت می گردد. لذا ضرورت حفاظت و حمایت از شهود در جهت احقاق حقوق افراد جامعه می بایست مورد توجه قرار گیرد. همانگونه که در منابع شرعی ما به تکلیف شاهد به ادای شهادت تاکید شده ، حراست و رفع عسر و حرج از وی نیز مورد تاکید است. فلذا شهود هم مانند سایر اشخاص دخیل در پرونده دارای حقوقی هستند که رعایت این حقوق موجب ایجاد رغبت و تمایل به ادای شهادت خواهد شد. حمایت از شاهد، در قالب مجموعه اقدامات مالی، امنیتی، آموزشی و روانشناختی است که دستگاه عدالت کیفری برای مشارکت بیشتر شهود در فرآیند دادرسی به کار می بندد. البته، این امر ممکن است با انتقاداتی همراه باشد. در نگاه اول، اجرای برخی از برنامه ها مانند مخفی ماندن هویت شهود و حمایت بیش از حد از وی در تعارض جدی

با شماری از حقوق متهم از جمله حق پرسش از شهود ویا جرح و تعدیل شهود و یا اصل تساوی سلاح ها در رسیدگی قرار می گیرد. امری که در عمل از طریق توسل به اقداماتی خاص می توان آن را به حداقل رسانیده و جهات دادرسی عادلانه را تا حدودی تضمین نمود و از یک سو، در حالی که همه افراد وظیفه مدنی دارند که در صورت نیاز نظام عدالت کیفری به عنوان شاهد شهادت صادقانه بدهند، از سوی دیگر حکومت ها موظفند با ارائه راهکارهایی خاص از شهود در برابر قرار گرفتن در معرض مداخلات ناروا محافظت کنند. این تحقیق به بحث و بررسی تطبیقی حقوق ، امنیت شهود، سازو کار های پیشگیری و حفاظت از آنان و موانع و چالش ها در نظام حقوقی ایران و رویه دادرسی حاکم بر دیوان کیفری بین المللی می پردازد. در بسیاری از موارد، شهود ارتباط نزدیکی با مجرمان دارند، گاهی اوقات درگیر فعالیت های مجرمانه هستند و بنابراین، اغلب خودشان تحت تعقیب یا مجازات قرار می گیرند. با توجه به ابعاد فراملیتی انواع مختلف جرائم جدی، از جمله جرائم سازمان یافته و جرائم مرتبط به تروریسم، حفاظت از شاهدان و همکاران عدالت و افراد نزدیک به آنها، گاهی اوقات تنها می تواند به طور مؤثر در خارج از مرزهای ملی تضمین شود. بنابراین، بررسی بعد بین المللی موضوع در جهت همکاری های بین المللی در مواردی ضرورت می یابد. لذا، در این پژوهش با توجه به چالش های بیان شده، به این مهم می پردازد که در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری بین المللی چه تدابیری در جهت حفاظت از حقوق و امنیت شاهد پیش بینی شده است؟

همکاری شهود یکی از ارکان موفقیت در تحقیقات قضایی هر جامعه به شمار می رود؛ اغلب موارد بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه ی وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده اند، دست یابی به واقع امکان پذیر نمی باشد. همین نقش خطیر و ارزنده شهود، آنان را در خطر انتقام جویی و سلب آسایش و امنیت به ویژه از سوی مجرمان قرار می دهد؛ زیرا بزهکاران به منظور فرار از دست قانون و اجرای عدالت به هر شیوه ای، ولو به قتل رساندن شهود و یا خانواده آن ها، متوسل می شوند. به منظور تشویق شهود در همکاری با جریان قانون،

می توان حمایت های چندی که ارتباط خاصی با تهدید شهود توسط بزهدکاران ندارد مانند پرداخت هزینه رفت و آمد آن ها به دادگاه یا جبران خسارات احتمالی آن ها و پرداخت غرامت و اعاده به وضع سابق را نیز مورد توجه قرار داد. در نتیجه ی این حمایت ها، نه تنها میل و رغبت شاهد برای همکاری با دستگاه های پلیسی - قضایی تقویت می شود، بلکه در پس اثبات بسیاری از این جرایم، به حفظ حاکمیت قانون و ایجاد نظم در جامعه نیز کمک شایانی می شود. و موجب پیشگیری از وقوع جرم می شود.

بر اساس آموزهای اسلامی و منابع فقهی، هر چند ادای شهادت واجب می باشد، ولی با توجه به قاعده لاضرر و در صورت وجود عسر و حرج که از قواعد معتبر فقهی می باشد، شهود در صورت وجود ضرر و آسیب می تواند از ادای شهادت خودداری کنند، زیرا وجوب ادای شهادت از عهده شهود برداشته می شود و همچنین، در آیه ۲۸۲ سوره بقره بیان شده و تأکید گردیده که نباید به شاهد ضرری برسد.<sup>۱</sup> قانونگذار نیز با توجه به اهمیت شهادت در راستای اثبات جرائم و برای اجرای بهتر عدالت و مختل نشدن اجرا و ادای شهادت راهکارهای حمایت جانی، مالی و حیثیتی را در ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه اجرائی حمایت از شهود و مطلعان تدبیر نموده است. سازو کارهای حمایت کیفری از شهود در قوانین ایران کم رنگ می باشد. و بیشتر مبتنی بر پیشگیری غیر کیفری می باشد. و حتی در بحث پیشگیری وضعی نیز ابتکار عمل در دست قضات و بنابر سلیقه آنان می باشد. لذا تدوین و اجرای درست آن توسط مجریان قانون حمایت موثر و مفید از شهود را رقم خواهد زد. قانون گذار ایران، در راستای حمایت روحی و روانی از شهود، همراهی با آنان، تعیین مشاور، دسته بندی جرائم و الویت بندی در ارائه خدمات حفاظتی و حمایتی به شهود رویه مشخص و روشنی را مقرر نموده است. در ماده ۶

۱. آیات و روایات متعددی در مورد ضرورت ادای شهادت وارد شده است که اگر وجوب ادای شهادت را از آنها استنباط نکنیم، حداقل می توان به مهم و مؤکد بودن آن در نزد شارع پی برد. از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد. «شهادت را کتمان نکنید و هر کس آن را کتمان کند قلبش گناهکار است» (سوره بقره/۲۸۳) و با در آیه ۲۸۲ سوره بقره که خداوند می فرماید: «و شاهدان چون به شهادت دعوت شوند، نباید از شهادت خودداری کنند.»

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲<sup>۱</sup> بر رعایت و تضمین حقوق شاهد به عنوان یکی از اشخاص درگیر در فرآیند دادرسی کیفری تأکید شده است و ماده ۱۳ منشور حقوق شهروندی<sup>۲</sup> به تأمین امنیت جانی به عنوان حق شهروندی تصریح نموده است. حمایت ها شامل اتخاذ تدابیری از قبیل امکان تحقیقات به صورت الکترونیکی، عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم، عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد و مطلع، استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور، آموزش برای حفاظت سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنها، حمایت های مالی و... می باشد. اصولاً هویت شاهد برای متهم شناخته شده می باشد؛ اما ممکن است بنا به دلایلی شاهد از مواجهه ضروری با متهم ترس و یا اضطراب داشته باشد؛ برای کاهش این ترس و اضطراب، می توان به شیوه هایی همچون اخذ شهادت خارج از دادگاه، خارج کردن متهم از دادگاه، ایجاد مانع بین شاهد و متهم، شهادت از طریق تلویزیونهای مداربسته، تغییر صدا و تصویر، وجود یک واسطه برای رد و بدل کردن صحبت های شاهد و متهم و ارائه ی خلاصه ای از مطالب متوسل شد. پژوهشگران در این مساله به موضوعاتی از جمله امکان جبران خسارت از شاهد و اعاده به وضع سابق، حمایت های روانی از آنان، عدم امکان تعقیب کیفری شهود، تعیین مجازات برای تهدید کنندگان شهود همان گونه که در قوانین حاکم بر دیوان مورد توجه قرار گرفته است، کمتر پرداخته اند که در این تحقیق سعی بر آن شده است. و حال سوال این است که کدام اقدامات پیشگیرانه در جهت تأمین حقوق و امنیت شهود در نظام حقوقی ایران در تطبیق با رویه حاکم بر دیوان کیفری بین المللی مورد توجه قرار نگرفته است

۱. ماده ۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲: «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود».

۲. ماده ۱۳ منشور حقوق شهروندی: هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضائی شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد.

# فصل اول

## مفاهیم ، مبانی نظری و پیشینه

## مفاهیم

### امنیت شهود

امنیت از ضروری ترین نیازهای شاهد است یعنی دوری از هر گونه تهدید و نیز امدادگی برای رویارویی با خطرات. در واقع در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن شاهد. شهادت شهود در تمامی نظام های حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. توجه بیش از حد به ارزش اثباتی محتوای شهادت، موجب شده است که پژوهشگران به بررسی مقوله امنیت شاهد در فرآیند دادرسی کمتر توجه نمایند. شاهد که بار تحمل و ادای شهادت را بر عهده دارد، به ویژه در جرائم مهم و یا سازمان یافته همواره از ناحیه بزهکاران و اطرافیان آنان در معرض خطر، آزار و اذیت جسمی و روانی است. ( اسدی، ۱۳۸۸: ۹۳ ). ترس از تهدیدات مکرر در ایجاد خطرات جسمی و روحی که به طور مستقیم شاهد را مورد هدف قرار می دهد، غالباً موجب عدم رغبت شهود به همکاری با دستگاه قضایی و در نتیجه عدم کشف جرائمی است که جامعه بشری به منظور حفظ حقوق و آزادی های فردی و نظم عمومی نیاز مبرم به کشف و اثبات آنها دارد. با عنایت به مراتب مزبور حفاظت از شهود در ابعاد مختلف مالی، امنیتی، روانشناختی در حد مطلوبی در دیوان کیفری بین المللی و رویه قضایی دادگاه های کیفری مورد توجه قرار گرفته است.

امنیت شاهد، مجموعه ی اقدامات مالی، امنیتی، آموزشی و روان شناختی است که دستگاه عدالت کیفری برای مشارکت بیشتر شهود در فرآیند دادرسی به کار می بندد. اجرای این گونه برنامه ها که در جرایم سازمان یافته، تروریستی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی، رویه ای عادی در کشورهای جهان و دیوان کیفری بین المللی است. به منظور تامین امنیت شهود، دستگاه های پلیسی تحت نظر مقام قضائی یک سری اقداماتی را انجام می دهند. از جمله افزایش امنیت محل زندگی شاهد موضوع حفاظت

از شهود در جرائم سازمان یافته از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. به اعتقاد بسیاری از حقوق دانان مهم ترین راه مبارزه با جرایم سازمان یافته حفاظت گسترده از امنیت قضایی شهود و قربانیان این جرایم است، به گونه ای که بتوانند با خیال آسوده اطلاعات خود را در اختیار مراجع قضایی قرار دهند و در امر مبارزه با سازمان های مجرمانه، دادگستری را یاری کنند. از همین رو برنامه های حداکثری حفاظت از شهود و امنیت آنان از جایگاه ویژه ای در سیاست کیفری نظام های حقوقی مختلف و دیوان کیفری بین المللی برخوردار می باشد. (ابراهیمی و صیدی، ۱۴۰۰: ۵۹)

### پیشگیری از بزه دیدگی

در فرهنگ معین پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری، دفع، منع سرایت مرض از پیش، تقدم به حفظ، صیانت آمده است در جرم شناسی پیشگیرانه یعنی با استفاده از فنون مختلف از وقوع بزهکاری جلوگیری کردن است.

پیشگیری در مفهوم موسع شامل اقدامات کیفری و غیرکیفری می شود و در مفهوم مضیق پیشگیری فقط تدابیر غیر کیفری را شامل می شود. پیشگیری کنشی درصدد آن است که با شناسائی و سپس حذف و خنثی سازی عوامل و موقعیت های بزه زا و بزه دیده زا از ورود به بزهکاری و بزه دیدگی جلوگیری کند. در حالی که پیشگیری واکنشی بر ایجاد بینش حمایتی در بخش های مختلف نظام عدالت کیفری، جهت پیشگیری از تکرار این پدیده ها تاکید دارد. (صادقی، ۱۳۸۱: ۳۶)

برای پیشگیری از بزه دیدگی شهود لازم است که آنان را با قوانین آشنا نموده و سطح آموزش و راهکارهای ممانعت از بزه دیدگی را بالا ببریم. و این مهم نیازمند نیروی آموزش دیده و سازمان یافته می باشد.

از طرف دیگر راهکارهای پیشگیری از بزه دیدگی همواره آثار چشمگیر خود را در زمینه مهار جرم بر جای نهاده است. گسترش سازوکارهای پیشگیرانه در کنترل جرائم ارتكابی علیه شهود، موجب امنیت شهود و ایجاد رغبت و تشویق به ادای شهادت توسط آنان و نهایتاً کاهش بزه دیدگی شهود می گردد.

بزه دیدگی، عمل قربانی کردن مجرمانه را بزه دیدگی می گویند. بزه دیده به معنای قربانی، کسی که طرف جرم یا شبه جرم واقع شده است. عمل مجرمانه ای که شخص قربانی آن می گردد. بزه دیده فردی است که یک خسارت قطعی آسیبی به تمامیت جسمی او وارد کرده است و اکثرا افراد جامعه هم به این مساله اذعان دارند. هانس فون هنتینگ پدر علم بزه دیده شناسی، بزه دیده را چنین تعریف نموده: که بزه دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هنتینگ بزه دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح ساخته که ناظر بر مجنی علیه است. (صادقی، ۱۳۸۱: ۴۸)

شهود بزه دیده از وقوع بزه به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم متحمل آسیب و خسارت اعم از مادی یا معنوی می گردند. شهود بعلت شرایط خاصی که دارند در معرض برخی جرائم بیشتر قرار می گیرند. پیشگیری های کیفری، وضعی و اجتماعی در جوامع بشری گسترش بیشتری دارند. در مبحث حفاظت و حمایت از شهود، مبتنی بر پیشگیری وضعی است و در مواردی اندک پیشگیری کیفری مورد تبیین قرار گرفته است. که با توجه به وضعیت، شرایط شهود و شرایط حاکم بر نوع جرائم می بایست اقدامات پیشگیرانه متناسب را در نظر گرفت. پیشگیری به دو دسته تقسیم می شود: پیشگیری کیفری و پیشگیری غیر کیفری.

### پیشگیری کیفری

اولین واکنش که جوامع بشری در برخورد با پدیده بزهکاری بدان دست زدند، مبارزه سرکوب گرانه بود که مدت ها به عنوان تنها روش مبارزه علیه جرم تلقی می شد. توسل به کیفر و مجازات های صعب و سخت از مشخصات دیرینه سیاست کیفری جوامع برای ایجاد رعب و وحشت در افراد مستعد بزهکاری و جلوگیری از ارتکاب جرم می باشد. برخلاف تصور، این رویه اختصاص به دوران حاکمیت کلیسا و یا عصر روشنگری ندارد. این رویکرد از زمان تشکیل اجتماعات بشری تا به امروز حول محور این توجیه که کیفر باید موجب تنبیه و بازدارندگی مجرم و تنبیه بزهکاران بالقوه شود، چرخیده است.

امروزه، پیشگیری کیفری در جرم‌شناسی، حول محوریت فرد قرار دارد و از منظر تأدیبی و اخلاقی با پدیده جرم برخورد می‌کند و به جای دغدغه خاطر و نگرانی در مورد حمایت از حقوق بشر، مبارزه با پدیده تروریسم و جرائم سازمان یافته و بزهکاری به هر وسیله ممکن مورد توجه قرار گرفته است. مدافعین این تفکر در کشورهای قدرتمند سعی در جهانی نمودن این نگاه و ترویج خشونت دفاعی در مقابل جرم، قطع نظر از علل و ریشه‌های آن دارند (نجفی توانا، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۲).

اما در گذشته و در دوران اولیه که می‌توان به دوره‌های انتقام دسته جمعی و شخصی در افراد اشاره نمود، هدف از اعمال مجازات و کیفر، بیشتر جنبه انتقام‌جوئی بوده است. با این وجود جنبه پیشگیری نیز از نظرها دور نبوده، زیرا انتقام گیرندگان جلوگیری از تکرار چنین وقایعی در مورد خود و یا افراد قبیله‌شان را مدنظر داشتند. پس از دوران اولیه و با پیدایش حکومت‌ها، طبقه حاکم همین روش را به اشکال گوناگونی ادامه داده و مجازات را با اهداف مختلفی از قبیل حفظ نظم و امنیت جامعه، حفظ اقتدار و سلطه طبقه حاکم، حفظ حقوق افراد، اجرای عدالت در پیشگیری از جرائم و بزه اجرا می‌کردند. پیشگیری کیفری در آن زمان از جمله این اهداف بود که با اعمال مجازات های شدید که عمدتاً بدنی بوده‌اند موجب دوری افراد از ارتکاب عمل مجرمانه و خودداری مجرمین از تکرار جرم می‌گردید (میرخلیلی، ۱۳۹۵: ۱۱).

به طور کلی در تعریف پیشگیری کیفری می‌توان گفت، «پیشگیری کیفری عبارت از مجموعه تدابیر و اقداماتی است که هدف از اعمال آن کاهش جرم و بزه، ترس و ارعاب در مجرمان برای عدم تکرار جرم‌های بعدی، جلوگیری از مجرم شدن مجرمان بالقوه، تأدیب افراد جامعه علی‌الخصوص مجرمان با هدف افزایش نظم و امنیت عمومی و فردی، کاهش انگیزه‌ها و فرصت‌های مجرمانه در افراد جامعه، دفاع از حقوق قربانیان جرم، در چارچوب قانون می‌باشد.» (امیریان فارسانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۶)

این نوع پیشگیری، گرچه به تنهایی پاسخگوی نیازهای اجتماعی و امنیتی جامعه نمی‌باشد، لکن با ادغام زمینه‌های پیشگیرانه غیرکیفری از جرم و استفاده از هر دو

عناصر در کنار هم می‌توان عامل مهمی در زمینه کاهش جرم در اجتماع را فراهم نمود.

ذکر این نکته لازم است که ویژگی مهم سیاست کیفری تا قبل از سده اخیر، بی‌توجهی به علل و عوامل بزهکاری و توجه صرف به معلول و مبارزه با آن از طریق اعمال مجازات بوده است.

لکن با پیشرفت در زمینه‌های علم جرم‌شناسی، هدف عمده در سیاست‌های کیفری و پیشگیری از جرائم، خشکاندن ریشه‌های جرم و علل بزهکاری، تأدیب مجرمان در جهت کاهش بزهکاری می‌باشد. (بکاریا، ۱۳۸۵: ۲۳۱)

پیشگیری کیفری از این جهت که دارای مضرات و معایب بسیاری است و بر جسم و روان مجرمین تأثیرگذار بوده و زندگی آینده آنان را در جامعه با مشکلات مواجه می‌کند، باید به عنوان آخرین چاره و آخرین حربه علیه بزهکاری مورد استفاده قرار گیرد و تا حد امکان با بهره‌گیری از روش‌های جدید حقوق جزا و استفاده از مجازات‌های جانشین و جانشین‌های مجازات، معایب و مضرات آن را به حداقل رسانید. پیشگیری کیفری از دو جنبه دارای اهمیت است: یکی «پیشگیری عام» که در این نوع پیشگیری، جنبه اربابی و تهدید کیفری موجبات دوری مرتکبین بالقوه از علل مجرمانه را فراهم می‌سازد. جنبه دیگر آن «پیشگیری خاص» است که با تحمیل مجازات بر مجرم و تنبیه او رنج و سختی حاصل از مجازات، موجبات عدم گرایش مجدد به ارتکاب جرم را در افراد فراهم می‌آورد. هم‌اکنون نیز این دو جنبه پیشگیری کیفری از جرم مورد توجه قانونگذاران و مجریان عدالت کیفری واقع شده است (میرخلیلی، ۱۳۹۵: ۳۰).

ذکر این نکته لازم است که اجرای قوانین و مقررات کیفری اخیر با انتقادات بسیاری مواجه شده است. از طرفی طرفداران مکاتب گوناگون حقوق کیفری نیز در مورد فلسفه و هدف مجازات اختلاف نظر دارند. تردیدی نیست که پیشگیری از جرائم امروزه قطعاً یکی از اهداف عمده مجازات‌ها می‌باشد. اما این فکر، مختص به امروزه نیست، بلکه یک فکر قدیمی است که آن را به افلاطون نسبت داده‌اند. زیرا افلاطون معتقد بود، هر

گناهکاری که کیفر ببیند یا خود از آن کیفر سود می‌بیند و یا مایه عبرت دیگران می‌شود.

در تکمیل مطلب فوق باید افزود که صرف (اعمال) مجازات، نه تنها موجب بازداشتن بزهکار تکرار جرم نمی‌گردد، بلکه در بسیاری از موارد تأثیری منفی بر جسم و روان بزهکار گذاشته و یا موجب از میان برداشتن مرزها به‌ویژه انس با مجازات و ریختن ترس مجرم از آن مجازات‌ها می‌شودوی را برای ارتکاب جرائم مهم‌تر آماده می‌کند. با این توضیحات ذکر این نکته در مورد پیشگیری لازم است که یک سیاست کیفری و جنایی سنجیده و فعال می‌تواند همگام با پیشگیری غیر کیفری باشد. هیچ‌گاه در هیچ جامعه‌ای حذف حقوق کیفری قابل تصور نیست، چرا که در ایده آلتین جامعه‌ای که تصور شود، باز نقض ارزش‌ها صورت می‌گیرد. لذا همواره نیاز به تعیین ارزش‌های مورد توجه جامعه و ایجاد ضمانت اجرایی مناسب آن وجود دارد. در مجموع از نظر اهمیت، پیشگیری کیفری متأخر از پیشگیری غیرکیفری است. زیرا کیفر همواره به عنوان تنها ضمانت اجرایی پیشگیری از جرم مطرح بوده است (میرخلیلی، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۵۶).

### پیشگیری غیرکیفری

یکی از جنبه‌های پیشگیری جنبه‌های غیر کیفری پیشگیری است که در قالب پیشگیری اجتماعی و وضعی است شناخته می‌شود. وظیفه رفع انگیزه‌های مجرمانه و منحرفانه به عهده کارکردهای پیشگیرانه‌ای است که از آن‌ها به عنوان «پیشگیری اجتماعی» یاد می‌شود. به‌طور کلی، این کارکردها در دو شاخه «پیشگیری اجتماعی جامعه مدار» و «پیشگیری اجتماعی رشدمدار» قرار می‌گیرند.

پیشگیری وضعی<sup>۱</sup>، نوعی از پیشگیری غیرکیفری یا کنشی است که تأکید بر وضعیت و موقعیت، زمان و مکان وقوع جرم دارد؛ به گونه‌ای که ارتکاب جرم برای بزهکار سخت‌تر می‌شود، یا فرصت ارتکاب جرم از وی گرفته می‌شود و یا خطر شناسایی و دستگیری وی را افزایش می‌دهد. (شیری، ۱۳۸۶: ۶۷)

این اقدامات مقدم بر وقوع جرم است؛ بنابراین پیشینی نیز نامیده می‌شود. این اقدامات ممکن است ناظر به وظایف و تکالیف نهادهای پلیسی باشد. این نوع از پیشگیری وضعی، پیشگیری انتظامی یا پلیسی<sup>۱</sup> نامیده می‌شود (مانند حضور پلیس در جامعه از طریق گشت‌های سیار، پاسگاه‌ها، کلانتری‌ها و نظایر آن‌ها، استفاده از تجهیزات فنی نظیر دوربین‌های مداربسته در اماکن عمومی، انگشت نگاری اجباری در فرودگاه‌ها و ترمینال‌های مسافربری و ایجاد پست‌های ایست و بازرسی سیار در گلوگاه‌ها). گونه دیگر آن ناظر به اقدامات دولت و شهرداری‌ها در طراحی و معماری شهری است. نحوه خیابان کشی‌ها، روشنایی، معماری ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی و ... می‌تواند بر کاهش یا افزایش جرم تأثیرگذار باشد.

نایجل ساوت، جرم شناس انگلیسی، در تعریف پیشگیری وضعی می‌نویسد: «پیشگیری وضعی از جرم بر اداره، طراحی و کنترل محیط فیزیکی (ساخته شده) اتکا دارد. به این منظور فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش داده و یا خطر تعقیب را، در صورتی که ارباب مؤثر واقع نشود، افزایش می‌دهد.» (صفاری، ۱۳۸۰: ۳۲۱-۲۶۷)

در پیشگیری وضعی به موقعیت‌های بزه آفرین توجه می‌شود. این رویکرد، کنشی است و برای پلیس، شهرداری‌ها، نهادهای مردمی و حتی آحاد جامعه وظایفی در نظر می‌گیرد و شاخه‌های متنوع پیشگیری وضعی (مانند پیشگیری پلیسی یا انتظامی)، طراحی محیطی و رویکرد چند نهادی را در مقابله با جرم تقویت می‌کند. (شیری، ۱۳۸۶: ۴۶).

## شاهد

شاهد را در لغت به حاضر، نگاه کننده، مشاهده کننده امری، چیزی تعریف کرده اند. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹: ۱۰۸)

۱. البته اقدامات پیشگیرانه پلیس محدود به پیشگیری وضعی نیست؛ بلکه پلیس در خصوص پیشگیری‌های کیفری و اجتماعی نیز می‌تواند مؤثر باشد، ولی عمده فعالیت آن مربوط به پیشگیری وضعی است.

در خصوص تعریف و ویژگی های شاهد و شرایط ادای شهادت اختلاف نظر وجود دارد. در لغت شاهد یا گواه آمده است: آن که هنگام روی دادن امری یا گفته شدن سخنی حضور دارد. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۸: ۴۲۴).

در ادبیات حقوقی ایران سه مفهوم بینه شرعی، شاهد و مطلع بر ادا کنندگان گواهی نزد مراجع قضایی اطلاق می شود. در تعریف بینه: «تعدادی شهود که قانونا شهادت آنها می تواند یک امر حقوقی (مدنی یا جزایی) را اثبات کند. مثلا دعوایی که با شهادت دو شاهد مرد اثبات می شود، مجموع دو شاهد را بینه می گویند. و گاه بینه چهار نفر می شود. در مثال اول یک شاهد را اصطلاحا نصف بینه می گویند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۱۲۳)

وی در تعریف شاهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۷۳) می نویسد: «کسی که شهادت بر امری می دهد، خواه ادای شهادت کرده باشد، خواه تحمل شهادت کرده باشد، یعنی موضوع شهادت را احساس نموده و اطلاع از آن حاصل کرده باشد.»

چه مشارکت شهروندان در دادرسی از طریق ادای شهادت را تکلیف اشخاص بدانیم و چه حق آنها، حفاظت از شاهد را باید حق اداکنندگان شهادت دانست. یک ویژگی در شاهد، بسیار مهم است و آن اینکه او اطلاعاتی در دست دارد که برای رسیدگی به پرونده ای قضایی اهمیت دارد بنابراین چگونگی کسب اطلاعات توسط شاهد یا وضعیت شخصی وی در وهله دوم اهمیت قرار دارد. از این رو تعریف (آخوندی ۱۳۹۳: ج ۲، ۱۲۸) از شاهد به مقصود نزدیکتر است. وی می نویسد: «کسی که وقوع جرمی را مشاهده کرده یا شنیده یا اطلاع خاصی درباره عمل ارتكابی داشته باشد و بخواهد در مورد آن به مقامات قضایی صالح خبر بدهد، گواه (شاهد) نامیده می شود.»

همانند شهادت، در قانون ایران هیچ تعریفی از شاهد ارائه نشده است. قانونگذاران کشورهای دارای حقوق مدون گرچه تلاش کرده اند تا تعریفی از شاهد را در قوانین کشورهای خود بکنجانند، اما هیچ یک در ارائه تعریفی صحیح از شاهد موفق نبوده اند زیرا هر کدام از تعاریف آنها دارای نقایص و ایراداتی است.

با این حال، در معنای رایج، شاهد کسی است که در مکان حادثه حضور داشته و قادر است تا اطلاعاتی را درباره آن حادثه بدهد. به عبارت دیگر، شاهد کسی است که حضور او به منظور اثبات یک موضوع ضرورت دارد. (کاظمی و طهماسبی، ۱۳۹۰: ۲۶).

در معنای اصطلاحی می‌توان گفت: شاهد عبارت است از کسی که نسبت به امری شهادت می‌دهد، خواه ادای شهادت کرده باشد خواه تحمل شهادت یعنی موضوع شهادت را احساس نموده و از آن اطلاع حاصل کرده باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۱۸۴). در حقوق انگلستان معنای اصطلاحی شاهد در امور کیفری عبارت است از کسی که در دادگاه شهادت می‌دهد و باید سوگند یاد کند که هر آنچه را که می‌گوید عین واقعیت است.

شاهد کسی است که وقوع جرمی را مشاهده کرده یا شنیده یا اطلاع خاصی درباره عمل ارتكابی داشته باشد، و بخواهد در مورد آن به مقامات صالح قضایی خبر بدهد، گواه (شاهد) نامیده می‌شود. (آخوندی، ۱۳۹۳: ج ۴، ۱۲۸).

بنابر تعاریف مذکور، می‌توان شهود را به سه دسته تقسیم نمود:

نخست، شهادی که خود بزه‌دیده یا قربانی جرم است. به عنوان مثال در پرونده‌های تجاوز به عنف، قربانی تنها شاهد جرم است و شهادت او برای تعقیب جرم بسیار مهم است.

دوم، شهادی که مظنون به ارتكاب جرم است. در این حالت موضوع بسیار مهم، مساله حق اساسی مصونیت فرد از خود اتهامی است. دلیل این مصونیت به خاطر تعارض دو منفعت است زیرا شاهد از یک طرف در نتیجه سوگندش مجبور است حقیقت را بگوید و از طرف دیگر نمی‌خواهد خود را متهم نماید. از سوی دیگر، اگر شاهد خودش را به همراه شخص دیگری متهم نماید، در اینجا شاهد یک حق واقعی برای حفظ سکوت دارد و این حق، یک حق شناخته شده و رسمی می‌باشد که مورد حفاظت قرار گرفته است و هدف اصلی از آن، رهایی دادن شاهد از حالت فشار روانی است و این خود کمکی است برای حق سکوت متهم. (مهدوی پور، ۱۳۹۱: ۲۰).

به دنبال داشتن این حق، حق داشتن وکیل خود را نشان می‌دهد و این حق برای اعمال درست حق سکوت شاهد است تا از عدم فهم این حق جلوگیری به عمل آید.

سوم، شهادی که در پرونده بی طرف است. شاهد بی طرف شخصی است که به صورت اتفاقی در صحنه وقوع جرم حضور داشته و وقوع جرم را ملاحظه کرده و نزد مرجع قضایی صالح در مورد آن شهادت می‌دهد. در این جاست که این شاهد ممکن است در معرض تهدید قرار گرفته و شهادت او آسیب پذیر باشد. بنابراین باید تحت برنامه های حفاظت از شهود قرار گیرد. با توجه به مطالب فوق دو نوع شهود در معرض خطر و شهود با خطر پذیری کمتر (ضعیف) را بررسی می کنیم.

شهود در معرض خطر شهودی هستند که به لحاظ اینکه وقوع جرم را از نزدیک مشاهده کرده اند و این جرم از جرائم با خطر پذیری بیشتر بوده ، همواره او از ناحیه آنان تهدید می شود. در این شرایط شخص در معرض ارتکاب جرائم خشن و سازمان یافته خواهد بود و جان و مال و روان آنان همواره در معرض خطر می باشد .کشف جرایم مهم به دلیل سازمان یافتگی و فراملی بودن آن بسیار مشکل است و بهترین راه برای کشف و اثبات این جرایم استفاده از شهودی است که خود ناظر وقوع جرم بوده اند در حالی که مراجعه این افراد به دادگستری، اصولا تهدیداتی را برای آن ها به همراه خواهد آورد. از طرفی دیگر اعضای این گروه ها به صورت سازمان یافته عمل می کنند و در صورتی که عده ای از آن ها دستگیر شوند، سایر اعضای گروه به تهدید شهود و خانواده های آن ها می پردازند. بدین لحاظ می توان این دسته از شهود را معرض خطر بیشتر نامید و قائل به حمایت های ویژه برای آنان بود.

شهود با خطر پذیری کمتر (ضعیف) شهودی که به لحاظ نوع جرم ارتكابی همواره از خطر پذیریکمتر برخوردار بوده ،و کمتر از ناحیه شهود تهدید می شوند. بدین لحاظ می توان این دسته از شهود را با خطرپذیری ضعیف نامید. که می بایست در موارد ضرورت صرفا حمایت های متناسب آنان اعمال گردد. این دسته از شهود در معرض خطر کمتری می باشند و قاعدتا نیاز به حفاظت و حمایت در آنان کمتر ضرورت می یابد.

## مطلع

مطلع از نظر لغوی به معنای دانا یا آگاه به کاری یا امری، یا اطلاع (عمید، ۱۳۶۹: ۱۸۲) و اطلاع دارنده و با خبر می‌باشد. (معین، ۱۳۷۱: ۲۰) از نظر اصطلاحی، مطلع شخصی است که اطلاع او از واقعه محسوسی که رخ داده است ناشی از حس خود او نبوده است بلکه به واسطه دیگران به آن واقعه علم پیدا کرده است. خواه علم او قطعی باشد یا ظنی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۲۳۱).

در فرهنگ لغت حقوقی «مطلع را «شخصی که اطلاعاتی را در مورد جرایم ارتكابی دیگران، به پلیس ارائه می‌دهد» دانسته است. (مارتین، ۲۰۰۵: ۱۰۵)

گرچه در قانون آیین دادرسی کیفری تعریفی از مطلع ارائه نشده است اما تدوین کنندگان قانون در ماده ۲۱۱ مقرر داشته اند: بازپرس می‌تواند در صورتی که شاهد یا مطلع واجد شرایط شهادت نباشد، بدون یاد کردن سوگند، اظهارات او را برای اطلاع بیشتر استماع کند.

با توجه به این مطالب، در یک تعریف ساده می‌توان گفت مطلعین کسانی هستند که مطالب مفیدی را که در مورد جرایم صورت گرفته، ارزش زیادی در کشف و رسیدگی به آنها دارد باخبر و ان را در اختیار مراجع ذیصلاح قانونی قرار می‌دهند. (معین، ۱۳۷۱: ۲۸)

از جمله افرادی که می‌توان به شهادت آنها به عنوان مطلع توجه نمود، افرادی هستند که خود با گروه های مجرمانه همکاری داشته، اما در حال حاضر به دلایل مختلفی مانند ندامت از کار گذشته، قادر به ارائه اطلاعات به دستگاه عدالت کیفری هستند. زیرا به ویژه در جرایم سازمان یافته «این افراد اطلاعات مهمی را درباره ساختار این سازمان، روش عملیات، فعالیت و ارتباط با سایر گروههای محلی یا خارجی اطلاعات مهمی در اختیار دارند.

## تفاوت شاهد و مطلع